

وقتی اذان مغرب

با من شکفت باغی

رفتم وضو گرفتم

شد سینه ام پر از گل

باغی ز سبزه و گل

من در صف جماعت

وقتی به خانه رفتم

بوی گلاب می داد

وقتی اذان مغرب

با من شکفت باغی

رفتم وضو گرفتم

شد سینه ام پر از گل

باغی ز سبزه و گل

من در صف جماعت

وقتی به خانه رفتم

بوی گلاب می داد

پیچید در خیابان

باغی به نام قران

در حوض توی مسجد

از رنگ و بوی مسجد

برچشم خود نشاندم

رفتم نماز خواندم

دیدم که مثل یاسم

(هم دست و هم لباسم) ۲

پیچید در خیابان

باغی به نام قران

در حوض توی مسجد

از رنگ و بوی مسجد

برچشم خود نشاندم

رفتم نماز خواندم

دیدم که مثل یاسم

(هم دست و هم لباسم) ۲